

از وقوع یک
فاجعه
انسانی
جلوگیری
کنید!

اطلاعیه حزب حکمتیست
- خط رسمی صفحه ۲

مقابل احزاب و جریانات
قومی که به "کثیر الملله
بودن" ایران و "سیستم
فدرالیسم قومی" معتقدند،
چرا شما فراندم برای
ماندن یا جدایی از حکومت
مرکزی را تنها در مناطق
کرد نشین به رسمیت
میشناسید؟

صفحه ۴

حکمتیست می پرسد:
"منشور سرنگونی جمهوری
اسلامی" و برگزاری فراندم در
مناطق کرد نشین ایران
مظفر محمدی

دیگران و یا جدایی از ایران
و تشکیل دولت مستقل.
این فراندم باید با خروج
نیروهای نظامی دولت
مرکزی و تضمین یک دوره
فعالیت آزادانه کلیه احزاب
سیاسی در کردستان، به
منظور آشنا کردن توده
مردم با برنامه و سیاست و
نظرشان در این همه پرسشی،
انجام شود."

سوال اینست که ۱- در

حکمتیست هفتگی: حزب
حکمتیست - خط رسمی
در بند ۲۲ از "منشور
سرنگونی جمهوری اسلامی
ایران" اعلام کرده است که:
"برگزاری فراندم در
مناطق کرد نشین غرب
ایران، زیر نظارت مراجع
رسمی بین المللی، برای
دادن حق انتخاب آزاد و
آگاه به مردم این مناطق
برای ماندن در ایران بعنوان
اتباع متساوی الحقوق با

حکمتیست هفتگی
۲۹۵

۲۰ فوریه ۲۰۲۰ - ۱ اسفند ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

انتخابات مجلس یازدهم
جدال در صف دشمنان

ثریا شهابی

"انتخابات" یازدهمین دوره مجلس شورای
اسلامی ایران را "بی موقع ترین" مراسم
انتخاباتی تاریخ حیات جمهوری اسلامی ایران
گفته اند. مراسمی که حاکمیت آن را با
ریسک، دلپره، اجبار و اکراه، برگزار میکنند.
هرچند که برای "اضطراب زدایی" و رفتن به
پیشواز خیزش های مردمی بیشتر، و برای
مدیریت شکاف در بالا در میان اصلی ترین
مهره های حاکمیت که بسرعت عمیق و عمیق
تر میشود، این بار خود را به شکل "ویژه
تر"، "غیرمتعارف تر" و "خشن تر"ی آماده
میکند. در مورد "ویژه گی" این دوره از مراسم
شان که یک رکن آن تیز کردن لبه های، نه
چاقوها که ساطورهایشان علیه هم و در بالا
است، در ادامه توضیح داده خواهد شد. رسانه
ها این "بی موقعی" را به خاطر شرایط اعتراض
انفجاری می نامند، که در ایران و بخصوص پس
از خیزش محرومین در دیماه ۸۶ در جریان
است. بعلاوه و شاید مهمتر، این "بی موقعی" را
به خاطر وجود پتانسیل انفجار اعتراضی می
گویند که، علاوه بر اینکه پی در پی در
اعتراضات و اجتماعات مستقلانه مردمی به
جریان می افتد که در هر ابراز وجود سیاسی و
اداری حکومت در بالا، در مراسم رسمی و دولتی
و حکومتی هم "خطر" عروج دارد. ... صفحه ۳

کشتار کولبران، "رقص کاندیداهای مجلس"

محمدی اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ص ۷

انتخاب مردم!

"آزادی، برابری، اداره شورایی"

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

آزادی
برابری
حکومت کارگری

از وقوع یک فاجعه انسانی

جلوگیری کنید!

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

از دیشب و امروز پنجشنبه یکم دی ماه مردم ایران با کابوس خبر مرگ دو نفر در شهر قم بر اثر بیماری کرونا روبرو شده اند. هنوز تعداد کسانی که به این بیماری مبتلا شده اند اعلام نشده است. احتمال شیوع این بیماری در شهرهای دیگر ایران یک خطر و فاجعه انسانی را هشدار می دهد.

مردم ایران زمانی خطر کرونا را بیخ گوششان دیدند که قربانی گرفت. مسئولین نظام سعی می کنند این مرگ را با سالمند بودن قربانیان توجیه کنند! مردم می دانند که پنهان کاری رژیم، دروغگویی، لاقیدی نسبت به سلامت مردم، عدم اقدامات پیشگیرانه، باعث شیوع این بیماری مرگ بار شده است. بر اساس نامه محرمانه وزارت کشور به وزارت بهداشت پخش خبر شایع شدن کرونا در ایران به بعد از انتخابات مجلس واگذار شده بود. این یک جنایت آشکار علیه جان مردم و بشریت است! رژیمی که چند هزار کشته آبان ماه را طبق گزارش محرمانه پزشکی قانونی در سردخانه ها مخفی کرده و هزاران نفر دیگر را در زندانهای مخوف تحت فشار و

شکنجه نگه داشته است، به سلامتی و امنیت جانی مردم جامعه اهمیتی نمی دهد.

مردم!

عدم مقابله با این بیماری، لاقیدی و دروغگویی امروزشان در کنار لاقیدی شان نسبت به قربانیان سیل، زمین لرزه و ... فقط و فقط نشان دهنده این واقعیت است که جمهوری اسلامی کمترین ارزشی برای سلامت و زندگی شما قائل نیست. حاضرند میلیاردها دلار هزینه تقویت سپاه پاسداران، سپاه قدس و باندهای جانی شان بکنند اما حاضر نیستند سروسزنی امکانات برای مقابله با بیماری که میتواند هزاران هزار نفر را قربانی کند هزینه کنند. باید حاکمیت را وادار کنیم که همه امکانات مملکت را برای مقابله با این معضل بکار اندازد و این تنها با قدرت و تلاش متحد ما ممکن است. کرونا یک خطر اجتماعی و عمومی است. مبارزه با این ویروس و خطر هم یک امر عمومی و اجتماعی است. این روزها علاوه بر فشار به جمهوری اسلامی و وادار کردن شان به مقابله جدی با این خطر، باید

خود آستین ها را بالا زده و از تمام امکانات برای جلوگیری از شیوع این بیماری مهلک تلاش کرد. نباید اجازه داد پروپاگاندا جمهوری اسلامی و اخبار دروغ و فریبکاریهای آن کسی را خام کرده و ابعاد خطر و فاجعه را کم اهمیت جلوه دهد. پزشکان شرافتمند و پرستاران که خود بیشتر از هر کسی در معرض این خطر اند میتوانند گزارش های واقعی و راه های مبارزه با این بیماری را مدام به مردم گوشزد کنند. نباید دست روی دست گذاشت همانطور که در نجات سیل زدگان و زلزله زدگان دست روی دست نگذاشتیم.

باید از بروز یک فاجعه انسانی جلوگیری کرد. مقابله با کرونا نه محبوس شدن خانواده ها و مردم در خانه هایشان و نه دست روی دست گذاشتن است. یک حرکت انسانی و اجتماعی برای مقابله با این بیماری لازم است و آن دخالت مردم و بکارگیری همه امکانات و ابزارها و راهنمایی های لازم برای تامین سلامتی عمومی است. سد بستن در مقابل خطر کرونا یک امر فردی و تنها تلاش پزشکان مسئول نیست. وظایف مراکز پزشکی و درمانی سنگین

است اما وظایف عمومی و اجتماعی مردم هم به همان اندازه سنگین است. و این وظایف با تلاش فردی به انجام نمی رسد. ایجاد کمیته های دفاع در مقابل کرونا یک امر ضروری و حیاتی است. کمیته های دفاع مردمی از فعالین و شخصیتهای انسدوست، از پزشکان و پرستاران مسئول و شرافتمند، برای مقابله با این خطر جدی تشکیل دهید! کمیته هایی که در محلات و شهرها بر امور حفاظت از جان مردم اشراف دارند و بر تامین امکانات کافی و فوری از جانب نهادهای دولتی نظارت می کنند.

مردم!

همانطور که تامین آزادی و رفاه و خوشبختی تنها در دستان شما است، مقابله با خطر کرونا هم به دخالت و شجاعت و احساس مسوولیت عمومی و اجتماعی شما نیاز دارد. اگر مبارزه با کرونا را به حاکمین دروغگو و جانی واگذار کنید باید منتظر وقوع یک فاجعه انسانی غیر قابل کنترل باشید. با هشیاری و دخالت و شجاعت تان از وقوع یک فاجعه انسانی جلوگیری کنید!

حزب حکمتیست (خط رسمی)
اول اسفند ۹۸ (۲۰ فوریه ۲۰۲۰)

بیانیه حقوق همانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها

انتخابات مجلس ...

بوده است که از طرف پائین بعنوان فرصتی برای تعرض و بهانه ای برای فروریختن خشم و نارضایتی بر سر حاکمین، مورد استفاده قرار نگرفته باشد. بطوری که برگزار کنندگان مراسم های مذهبی، نظامی، دولتی و حکومتی، بیش از تلاش برای برگزاری "باشکوه" و "جلال" مراسم های شان، بیش از داشتن

مدت ها است که مردم در مراسم دولتی شرکت "فعال" و "پرشور" می کنند! اما برای لگدمال کردن سمبل های حاکمیت، پاره کردن و به آتش کشیدن عکس ها و شعارهای مراسم شان و برای فراری دادن گماشتگان حکومت و محاکمه و حسابرسی از آنها! شرکت فعال مردم به موازات و سریع تر از تبلیغات انتخاباتی، برهم زدن تزئینات و ترتیبات مراسم شان فی الحال شروع شده است! مردم مدت ها است که ترس را در چشمان دشمنان شان، همه اعضا خانواده حاکمیت، نشسته بر سکوی اصلاح طلب و اصولگرا و اعتدالگرا و سپاه و بیت رهبری و دفتر پرزیدنت روحانی و مجلس و وزارتخانه هایشان، دیده اند!

طی سه سال گذشته کمتر مراسم سیاسی، فرهنگی - اسلامی و اداری حکومت، از برگزاری و راهپیمایی سالگرد به قدرت رسیدن شان و دهه فجر، تا مراسم عزاداری شان برای قاسم سلیمانی، از گشودن باب بحث حداقل دستمزده ها تا حتی برگزاری "نماز جمعه" ها و قرار گرفتن شان در دسترس مردم،

زوایای مراسم های دولتی، و تعرض و حمله مردم، وضعیت در مانده مشتی جنایتکار نشسته بر قدرت و متکی به پول و اسلحه و اسلام، را به خوبی منعکس میکند. جای پروپاگاندهای سپاه و مقام معظم و "سیلی" های توخالی پی در پی که به "صورت دشمن" حواله میکنند را در حال حاضر سیلی های پی در پی واقعی مردم بر

حال که "سازش با شیطان بزرگ" و "برجام" برای ساکت نگاه داشتن مردم کار ساز نشد، مردم به سازش کشیده نشدند و "سازش" هم ارزش مصرفش بسر آمد، باید مقدمات چرخش متناسب با "شکاف با آمریکا" و رفتن در "حال و هوای" گذشته را فراهم کرد. ... ←

ما همه کمونیستها، همه

رهبران دلسوز و

هوشیار طبقه کارگر،

همه زنان و جوانان

فعال و رادیکال را

برای تامین شرایط

پیروزی این

اعتراضات، به اتحاد

حول "منشور

سرنگونی جمهوری

اسلامی ایران"

فرامیخوانیم.

بی تردید پیروزی

اعتراضات برابری

طلبانه در ایران پیش

درآمد تحولات انقلابی

در خاورمیانه و جهان

خواهد بود.

بحران مشروعیت + بحران انتخابات

=

سرنگونی جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صورت همگی شان، از خامنه ای تا روحانی، از اصلاح طلب تا اصولگرا با طیف "دگرانییشان" کارچاق کن "دوخردادی"، گرفته است. در یازدهمین مراسم "اجباری" تجدید آرایش بین خودشان، که دیگر در آن خبری از خودشیرین کردن های توده - اکثریتی ها و دگراندیشان نان به نرخ روز خور، امثال فرخ نگهدار ها و خانم

"شور و شوق" برای برگزاری روتین های حکومتی شان، از سرنماچاری "آنها را برگزار میکنند و مهمترین مشغله شان چگونگی مدیریت کردن "خوف" و "هراس" شان است. خوف تبدیل شدن پی در پی مراسم دولتی به ضددولتی و جلسات محاکمه و حسابرسی، مهمترین مسئله "انتخابات مجلس یازدهم" هم هست. نگاه کوتاهی به گوشه و

به فراخور روز و برای بقا.

شکل آن را امروز میتوان از خط دادن های رسمی و صریح خامنه ای و سینه چاک دادن ها و خط و نشان کشیدن ها یکی از "عزیزدردانه" های خامنه ای، اصغرجمالی، معروف به ابوحنیف و "لیست ائتلاف آنا" (ائتلاف نیروهای انقلاب) به روشنی دید که بوی عفونت و خون میدهد.

از میان خبر هابخوانید: "اصغرجمالی فرد معروف به ابوحنیف به تازگی لیستی به نام ائتلاف آنا منتشر کرده که به گفته او افراد حاضر در این لیست قولنامه ای امضا کرده اند که روحانی را استیضاح کنند؛ استیضاحی که در نهایت به اعدام منجر خواهد شد." ایلنا

"آیت الله خامنه ای خاطر نشان کردند: مردم باید در انتخاب نمایندگان بسیار مراقب کنند زیرا ما در همین دوره انقلاب، نمایندگانی در مجلس داشتیم که اکنون نوکر و گُلقت آمریکا و دشمنان ایران هستند." تأثیرات مجلس فقط محدود به چهار سال نیست بلکه مجلس قوی و یا مجلس ضعیف و خود باخته با تصمیمات خود می توانند تأثیرات

بلندمدتی بر کشور بگذارند." ایلنا

گفته میشود که: "دایره مطلوب خامنه ای روز به روز نیز تنگتر شده است؛ آن قدر بسته که بیرون کشیدن ۲۹۰ آدم مطلوب از آن محال به نظر میرسد. مجلس و انتخابات حتی برای سیاستمداران آلوده به فساد نیز خطرناک است؛ ریسک رسوایی و احتمال در دسر در این انتخابات بیشتر از همیشه است؛ کما اینکه در هفته های گذشته بعضی نمایندگان در گیر و دار تایید صلاحیت در معرض افشاگری قرار گرفتند. وقتی چرخ فساد روان میچرخد، چه حاجت به اصطکاک انتخابات است؟" بی بی سی فارسی

پس از سخنرانی تاریخی خامنه ای، رسانه ها "تندرو" در داخل کشور، مسابقه شمارش نمایندگان کلفت و نوکر آمریکا و دشمنان ایران، و ضرورت "بازنگری در قانون اساسی" و شکل دادن به "مجلسی که خودنباخته باشد" و .. براه انداخته اند. فی الحال شمشیر بر بالای سر بخشی از "نمایندگان" دور قبل در صف "نمایندگان نوکر و کلفت آمریکا" رفته

اند، به چرخش درآمده است. مجلس و نمایندگانی که در مقابل خیزش آبانماه و جنایات "خاموشی تاریخی" و حمله به هوآپیمای خودی، "خودباختند" ترس شان را در مقابل مردم نشان دادند، و مجلس را به محل نشان دادن "ضعف" حکومت تبدیل کردند، ضعفی که موجب تعرض بیشتر مردم شد، در لیست مغضوبین و قربانیان اند. بعلاوه آینده روحانی و ظریف و تیم آنها در دولت، که تنها تا رسیدن پای نمایندگان جدید "غیرنوکر آمریکا" و "با روحیه" به مجلس، جان و مقام شان محفوظ است، لرزان است. از تهدید به استیضاح تا اعدام، از کنار گذاشتن تا قربانی شدن، دامنه ای از مانور "جراحی" درون نظامی است که جمهوری اسلامی ایران تاریخا نشان داده است که اگر برای بقاش لازم باشد، آبی از آن ندارد. قطب زاده و بنی صدر، نمونه هایی از آن است. اینکه شکاف در بالا چنان عمیق است که صحبت از قربانی کردن روحانی، اعدام او و تیم او، برای بقا نظام و چرخش از سازش با آمریکا به "فاز دوم" جمهوریت اسلامی ایران، میتواند در دستور

خامنه ای قرار بگیرد، تردیدی نیست. آنچه که جای تردید دارد، قدرت و توانایی نظام برای حفظ خود، حتی با پایین آوردن ساطور اسلام بر بخشی از پیکره خود، و جراحی و قربانی کردن بخشی از خود، است. عفونت و گندیدگی جمهوری اسلامی بیش از آن سرتاپایشان را گرفته است که قطع این و آن عضو، بتواند نجاتش دهد. بعلاوه و مهمتر از هر عامل دیگری، مردم در کمین شان نشسته اند! نباید دشمنان مردم در حاکمیت فرصت بیابند که ترکش قمه کشی در صفوف خودشان را بر سر جامعه، بر سر اعتراض برحق طبقه کارگر، مردم محروم، زنان و جوانانی که برای دسترسی به حداقلی از زندگی انسانی به جنگ شان آمده اند، خراب کنند. خرداد شصت دیگری در راه نیست! اما لاشه متعفن و گندیده جمهوری اسلامی به ازا هر قمه و تیغی که بر روی هم بکشند، و خنجری که به سر و صورت یکدیگر بزنند، تلاش میکند که پایین را هزاران برابر بیشتر و شدید تر سرکوب کند. بی تردید بعد از این مراسم، جدال بین شان حاد تر، روابط شان

بحرانی تر، و مقابله هایشان آنتاگونیستی تر میشود. مجلس بعدی، دعوا بالا را حاد تر و دشمنان را بیش از پیش به جان هم می اندازد. جدال در صف دشمنان، تضعیف آنها، امر ما نیست! آنچه که امر ما و جنبش ما است، اجازه ندادن به دستجات درون حکومتی، چه قربانی و چه غیرقربانی، است که در جدال شان علیه هم، از صف ما، از صف محرومین، فقرا و کسانی که نان سفره شان گرو بقا حاکمیت آنها است، یارگیری کنند و تفرقه ایجاد کنند. ترکش این جدال ها نباید به ما و جنبش ما برسد! برعکس میتوان از جنگ آنها علیه هم، برای متحد و متشکل کردن خود، حول خواسته های برحق مان، حول انتخاب های واقعی خود، آزادی، برابری، اداره شورایی، بیشترین استفاده را کرد.

حکمتت را
توزیع و پخش
کنند!

انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کله دارو دسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کله ایگانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.



ابزاری برای توجیه استیصال و شعاری برای معامله بر سر این پذیرفته شدن و سرپوشی بر سرافکنندگی و در یوزگی شان بر درگاه جمهوری اسلامی است.

در نتیجه ی این وضعیت، ما تنها راه حل مساله کرد در کردستان را رفراندوم و مراجعه به آرای مردم می دانیم. این شرافتمدانه ترین و انسانی ترین راه برای خاتمه دادن یکباره و همیشگی به ستم ملی و مساله ای به نام مساله کرد است. مردم کردستان حق دارند در یک همه پرسی آزاد تصمیم بگیرند و رای دهند که در چهارچوب ایران باقی می ماند یا جدا می شوند و دولت مستقل خود را تشکیل دهند. و این موضوعی صرفا مربوط به ستم ملی و مساله کرد در کردستان و قابل تعمیم بطور دلخواهی به سراسر ایران نیست. این که جمهوری اسلامی یا هر حکومت بورژوازی دیگر به بهانه ی تمامیت ارضی و تجزیه طلبی، مساله کرد و حق تصمیم گیری مردم کردستان را به رسمیت نمی شناسند، ... ←

در کردستان ایران هم بورژوازی ناسیونالیست کرد و احزابش در چهاردهه اخیر همین سیاست را در مقابل جمهوری اسلامی داشته و اساسا کشمکش با جمهوری اسلامی و حتی جنگ، بعنوان ابزار فشاری برای مذاکره و پذیرفته شدن و گرفتن سهمی از قدرت و ثروت در کردستان مورد استفاده قرار گرفته است. این سیاستی آشکار و بدون پرده پوشی است که احزاب ناسیونالیست کرد در تمام این سال ها و تا به امروز تعقیب کرده و بیه تمام رسوایی ها بین مردم و حتی ترورهای جمهوری اسلامی علیه خود را به تن مالیده اند. امروز احزاب دمکرات خالد عزیزی و مصطفی هجری و زحمتکشان عبدالله مهتدی در "مرکز همکاری احزاب کردستانی" برای پذیرفته شدن از طرف رژیم که مردم ایران رای به سرنگونی اش داده اند، هنوز پافشاری می کنند و امیدوارند. بوی گندیده ی سهمی از قدرت و ثروت در کردستان حتی کلاه کردایتی را هم از سرشان انداخته است. بوی متعفن سهم ولو ناچیزی مثل ریاست ژاندارمری یک شهرک در کردستان از مهتدی کمونیست سابق یک قوم پرست وقیح ساخته است. فدرالیسم قومی برای این احزاب ورشکسته ی سیاسی، فقط

ایران بلکه در منطقه و حداقل سه کشور ترکیه، عراق و سوریه هم مساله ای قدیمی و حل نشده به نام مساله کرد وجود داشته و دارد. درست مانند مساله فلسطین در خاورمیانه. در کردستان ایران جنبش های اجتماعی چه از جناح ناسیونالیسم کرد و چه جناح چپ و کمونیسم و کارگر بر سر این مساله بوجود آمده اند. جنگ مسلحانه ی ده ساله بین جمهوری اسلامی و این جنبش ها و مردم کردستان در جریان بوده است. در نتیجه، ما در ایران فقط مساله ای به نام مساله کرد داریم که اساسا سیاست سرکوب و تبعیض حکومت های مرکزی سابق و کنونی موجبات عروج ناسیونالیسم کرد را هم فراهم کرده است. این که احزاب و جنبش های ناسیونالیستی چقدر به حقوق شهروندی برابر یا رفع ستم ملی معتقد و وفادارند در پرونده ی آنها ثبت است. حداقل نمونه دولت اقلیم کردستان عراق نشان داده است که امر بورژوازی ناسیونالیست کرد نه رفع تبعیض و ستم و نابرابری بلکه سوار شدن بر موج احساسات ملی و قومی توده های تحت ستم و استفاده ی ابزاری از آن برای رسیدن به قدرت و ثروت بویژه در شراکت با حکومت مرکزی به شیوه فدرال است.

در هر جا ممکن شود علم و از بورژوازی بزرگ و حاکم، طلب سهم می کنند. کثیرالملله نامیدن ایران، در واقع حقه و سیاست کثیف و تفرقه افکنانه از جانب ناسیونالیسم ایرانی و از جمله بورژوازی ناسیونالیست کرد و احزابش است. ما بجز کردستان در ایران پدیده ای به نام مساله ملی و قومی نداریم. بعنوان مثال قوم پرستان آذربایجان بارها تلاش کرده اند تا مساله ملی یا ترک و فارس را به موضوع جامعه تبدیل کنند، ولی هیچوقت موفق نشده اند جنبشی اجتماعی بعنوان جنبش ملی و قومی در آذربایجان بوجود آورند و توجه مردم ترک زبان را به آن جلب کنند. اینها همان فرقه باقی مانده اند. یا با وجود باندهای سیاهی چون باند عبدالمالک ریگی در بلوچستان یا فرقه "الاحواز" در خوزستان، باز در این مناطق جنبش اجتماعی و توده ای ملی و قومی هیچگاه عروج نکرده است. باندهای قومی و مذهبی جدا و بیربط به منافع مردم و تنهها در شرایط سناریوی سیاه است که می توانند ابراز وجود کرده و از فروپاشی شیرازه جامعه ارتزاق می کنند. اما در ایران مساله کرد، شرایط معین و کاملا متفاوتی دارد. نه تنها در

حکمتیست میبرسد ... مردم مناطق دیگر هم ممکن است خواهان همین حق باشند. مشکل آنها چه می شود؟ ۲- خط فاصل شما با ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی چیست که بعضا شما را بر سر این بند از منشور به "تجزیه طلب" متهم می کنند؟ و ۳- چرا رفراندوم زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی برای حق انتخاب آزاد و ... انجام شود؟ خیلی مواقع نظر مراجع رسمی مثل سازمان ملل را آمریکا تعییب می کند. مگر خود مردم مناطق کرد نشین نمی توانند چنین رفراندومی را برگزار کنند؟ مظفر محمدی: کثیرالملله نامیدن ایران، در قاموس و فرهنگ و سیاست بورژوازی بزرگ و محلی و ناسیونالیسم ایرانی و قومی، هر کدام با اهداف خاصی مطرح می شود. از طرفی بورژوازی حاکم، از اتحاد مردم و بخصوص طبقه کارگر واحد صرفنظر از ملیت و قومیت و زبان و مذهب وحشت دارد و تقسیم جامعه بر این اساس را در خدمت سلطه ی خود و "تفرقه بینداز و حکومت کن" می داند. از طرف دیگر ناسیونالیست ها و قوم پرستان محلی هم از این تقسیم بندی جامعه استقبال کرده و بعنوان صاحبان ملت و قوم خود

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران



تغییری در واقعیت مساله نمی دهد. بورژوازی ریاکارو جمهوری اسلامی اش تقسیم جامعه ی ایران به ملیت ها و اقوام را ترویج می کند و برایشان در مجلس فراکسیون درست می کند، اما وقتی به مساله کرد و کشمکش چهل ساله و خواست آزادی و حقوق شهروندی برابر و حق همه پرسسی می رسد، با طرح ریاکارانه ی دفاع از تمامیت ارضی و علیه تجزیه طلبی، شمشیر را از رو بسته و با حمله نظامی و جنگ و کشتار پاسخ می دهد. فراندوم آزاد در کردستان پاسخ همه ی این ریاکاری های بیشمارانه است. ناسیونالیست های کرد، ایران را کثیر الملله می نامند و برای هر ملیت و قومی نسخه فدرالیسم می پیچند تا جواز کردستان فدرال تحت حاکمیت خود را بگیرند. این ها ابایی ندارند در ایران جنگ ملیت ها و اقوام راه بیفتد به شرطی که در کردستان فدرال شان صاحب قدرت و

ثروت شوند. احزاب ناسیونالیست کرد، الگوی شکست خورده ی کردستان عراق را برای این هدف کثیف خود مد نظر دارند. می گویم شکست خورده چرا که فدرالیسم قومی در عراق هیچ وقت نتوانست ستم ملی را خاتمه داده و بعنوان استخوان لای زخم باقی نگه داشت بطوری که عملا دیدیم در اکتبر ۹۶ در یک حمله نظامی، نصف بیشتر کردستان را تصرف کرده و برای نظام فدرالی خود هم تره خرد نکرد. این سرنوشت فدرالیسم قومی در خاورمیانه است. در ایران هم فدرالیسم قومی و تقسیم جامعه به اقوام یک سیاست به شدت ارتجاعی و ضد مردمی است. نسخه ی تفرقه اندازی، دامن زدن به کینه ی قومی و برافروختن جنگ و فروپاشی جامعه است. در ایران نه اقوام و مذاهب بلکه دو طبقه اصلی در برابر هم قرار دارند. یک طبقه چند ده میلیونی کارگران و زحمتکشان فارغ از ملیت و قومیت و مذهب

از طرفی و طبقه سرمایه دار که ملیت و دین فقط سود سرمایه اش است از طرف دیگر که با اعمال زور و سرکوب و کشتار حکومت می کند، از کرده طبقه کارگر سود حاصل می کند و ثروت و داراییهای جامعه را قبضه کرده است. در پاسخ به بخش آخر سوال، اولاً باید بگویم که هر گونه فراندوم در کردستان ایران با یا بدون نظارت مراجع بین المللی در حاکمیت جمهوری اسلامی، ممکن نبوده و نیست. تجارب چند دهه جنگ و جدال ما با جمهوری اسلامی این را نشان داده است و ما منتظر چنین اتفاقی نیستیم. ولو اینکه خواست فراندوم بجای خود باقی است. با سرنگونی جمهوری اسلامی در یک انقلاب توده ای و از پایین و تشکیل دولت موقت انقلابی و تضمین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، نیازی به نظارت مراجع بین المللی نیست. مردم کردستان می توانند ازادانه و بدون هیچ مانعی به ماندن یا جدایی رای بدهند. در

چنین شرایطی بخصوص وقتی یک دولت انقلابی سر کار است، بورژوازی کرد و احزاب ناسیونالیست به احتمال زیاد تلاش می کنند مردم کردستان را به جدایی تشویق و حتی برای این منظور دست به فشار و توطئه هم بزنند. در این حالت هم این مراجع بین المللی نیستند که توطئه هایشان را خنثی می کنند بلکه دفاع دولت انقلابی و مردم ازادیخواه و برابری طلب متشکل در شوراهایشان در سراسر ایران و در کردستان است که این آزادی را تامین و تضمین می کند. در چنین شرایطی ما ضمن این که فراندوم و تصمیم مردم کردستان به جدایی یا ماندن در چهارچوب ایران را حقی انسانی و مسلم می دانیم، اما جدایی را توصیه نمی کنیم. تجارب بیش از چهل سال مبارزه مردم کردستان و ایران نشان داده است که سرنوشت سیاسی و اقتصادی و رفح ستم و تبعیض و نابرابری در گرو

همسرنوشتی و همبستگی مبارزاتی کل طبقه کارگر ایران و مردم زحمتکش و ستم دیده و محروم در سراسر ایران و از جمله کردستان است. با وجود این چه امروز و چه با سرنگونی جمهوری اسلامی، هیچ توجیهی از جمله مساله ای به نام تمامیت ارضی و خطر تجزیه در مقابل حق انسانی و مسلم مردم کردستان در برگزاری یک فراندوم آزاد و تصمیم به ماندن یا جدایی، قابل قبول نیست. تنها حکومت های استبدادی بورژوازی اند که از دخالت و تصمیم توده های کارگرو زحمتکش در تعیین سرنوشت و در اختیار گرفتن زندگی خود و از جمله از فراندوم مردم کردستان می ترسند. با سرنگونی جمهوری اسلامی و تشکیل یک دولت موقت انقلابی، این اراده و تصمیم به مردم باز می گردد و شکی نیست مردم کردستان بین جدایی و یا ماندن در ایران انقلابی و آزاد و برابر، دومی را انتخاب خواهند کرد.

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به رحم خود تبدیل کنید!

کشتار کولبران، رقص کاندیداهای مجلس

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

نشریه هفتگی
حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@Hekmatistx

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

همزمان با خوش رقصی، وعده های مضحک و موزیک "هه لپه رکی" کاندیداهای مزدور رژیم در شهرهای کردستان، ماموران سپاه، روز دوشنبه ۲۸ بهمن در منطقه اورامانات بار دیگر کولبران را کشتند. سه کشته و پنج زخمی حاصل جنایات مکرر رژیم است که هیچ شبانه روز را بدون کشتار نمی گذراند. مردم مبارز پاوه در اعتراض به این جنایت اعصاب عمومی کرده و در مقابل پاسگاه مزدوران اجتماع کردند. رقص دلکان کاندید رفتن به مجلس جنایتکاران، دهن کجی به خون جانباختگان و شراکت در جرایم سازمانیافته رژیم شان علیه جان و مال و نان سفره مردم، است. توهین به حرمت و کرامت انسانی جامعه است. ننگشان باد. تف به شرافت و وجدانی که ندارند! بروند خجالت بکشند و بمیرند! این وقاحت و پررویی را مردم نخواهند بخشید.

مردم با تنفر و تمسخر به دکان های سوت و کور تبلیغاتی شرم آور

کاندیدها نگاه می کنند. صدای وقیح این بی شرم ها را باید در گلویشان خفه کرد. دکان تبلیغاتی شان را بر سرشان خراب کرد همانگونه که مردم سقز دکان ننگین کاندیدای بی شرف را به آتش کشیدند. این مزدوران نباید بخود جرات و اجازه دهند در میان مردم حاضر شده و از مردم خواهان رای شوند. باید به رویشان تف انداخت. باید با صدای "مزدور خجالت بکش"، "برو گم شو" بدرقه شان کرد. این بی شرم ها شایسته زندگی در میان مردم انقلابی و ستم دیده و گرسنه شهر و محلات نیستند. این ها حق شان را با اردنگی طرد از میان مردم می گیرند. این ها پیشمرگان مسلمان یا

آنطور که مردم می نامند "جاش" های مدافع رژیم جنایتکار اند. فرزندان شان در آبان ماه، از خون کولبران، از شکنجه و آزار هزاران اسیر خود نمی گذرند.

مردم! جوانان!

شهرها را از وجود این کثافت های بی شرم و بی حیا پاک کنید. دم و دستگاه تبلیغات تهوع آورشان را برچینید. شهرهای کردستان و خیابان هایش محل اعتراض و مبارزه مردم برای آزادی و برابری و خوشبختی و تقاص خون های ریخته شده آذر و آبان و کولبران و آزارهای جسمی و روحی بیش از ده هزار

اسیر و زندانی مردم سراسر ایران است! ننگ بر کاندیداهای بی شرف! زنده باد آزادی و برابری

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی
۲۹ بهمن ۹۸

آبان ادامه دارد،

انتخابات بی انتخابات!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com